

## انگیزه های سیاسی بر خورد « شیعه - سنی »

اختلاف نظر بر فروع مسائل دینی بین مذاهب چند گانه اسلامی بخصوص بین عقاید مذهبی شیعه و سنی ریشه های تاریخی و سابقه طولانی دارد که زیر تأثیر سلیقه های سیاسی، تعبیرهای شخصی و عکس العمل های اجتماعی در طول زمان به نحوی باهم در تقابل و تصادم قرار گرفته است. این اختلافات وحدت اسلامی را خدشه دار ساخته و در بسا مواقع موجب بروز جنگ های خونین بین برادران مسلمان گردیده است. سرآغاز این اختلافات را میتوان حتی در حوادث صدر اسلام مشاهده کرد، چنانکه واقعات اخیر خلافت حضرت عثمان (رض) را مؤرخین اسلام «فتنه الکبرا یا فتنه بزرگ» یاد کرده اند که در نتیجه بین سالهای ۳۵ و ۴۰ هجری قمری موجب کشته شدن هزارها مسلمان و الا مقام گردید. از آنروز تا حال سلسله این اختلافات گاهی بطور غیرملموس و زمانی به شکل علنی توأم با شدت عمل تا سرحد جنگ و نزاع ادامه داشته و دشمنان اسلام از داخل و خارج محیط اسلامی همیشه بر این آتش هیزم پاشیده و مسلمانان را به جان همدیگر انداخته اند.

امروز باز هم دست های نامرئی که اکثر از آستین خود ما مسلمانها دراز شده اند، میخواهند بار دیگر بساط «فتنه بزرگ» را بین شیعه و سنی هموار کنند و خود به تماشا نشینند. اهانت به صحابه کرام و امهات المؤمنین و نیز تاخت و تازها بر رواجهای مذهبی و زیر سؤال بردن شخصیت های بزرگ اسلام از جمله خلفای راشدین و امامان بزرگ اسلام توسط یک عده علمای صاحب شهرت و نیز یک تعداد راویان کوتاه نظر، همه از جمله مطالبی اند که آتش کین و خصومت را بین مسلمانان تازه می سازد. از مدتیست که نشر این مطالب در رسانه های نوشتاری و تصویری افغانی و غیرافغانی راه خود را باز کرده و عده ای را به طرفداری و هم مخالفت با خود برانگیخته است. واضح تر بگویم نشرات همه روزه تلویزیون «اهل بیت» و «سلام» و نشر چند برنامه دینی داکتر مولانا زاده از طریق تلویزیون «پیام افغان» در این اواخر در حقیقت سر آغاز یک نوع برخورد مذهبی گردید. زمانیکه اداره تلویزیون پیام افغان متوجه عمق این اوضاع شد و تصمیم گرفت برنامه داکتر ملا زاده را قطع کند، بازتاب آن بطور انتقادی و اما افترا آمیز و پر از اتهامات ناوارد طی چند مقاله طویل بقلم چند هموطن محترم در پورتال فخیم «افغان جرمن آنلاین» به نشر رسید که مؤید نظر مولانا زاده و بر عیله قطع برنامه موصوف بود. البته دفاع از عقاید دینی و مذهبی به نحو شایسته و مناسب حال که موجب برخورد و نزاع مذهبی نگردد و آنهم به مقصد رفع سوء تفاهات باشد و به وسیله علمای ذیصلاح دینی مطرح گردد، یک امر ضروری و مفید است. اما اگر طرح مسائل مذهبی به روی مقاصد خاص سیاسی باشد و دین یا مذهب به حیث حربه سیاسی بکار گرفته شود، آنوقت ماهیت موضوع فرق می کند و بجای رفع مشکل برعکس با تحریک احساسات مذهبی مردم دایره خصومت وسیع میگردد که در ادامه ناگزیر مشاجرات لفظی جای خود را تدریجاً به برخوردهای فزینگی خواهد داد.

اینکه چرا و چه کسانی با چه انگیزه ها و اهداف میخواهند دامنه «فتنه بزرگ» را در جهان اسلام بار دیگر گسترده سازند و از آن به نفع سیاستهای موجود بهره برداری نمایند، سؤال است که جواب آنرا اساساً میتوان دربررسی عمیق رقابت های سیاسی جاری بین حامیان شیعه و سنی بخصوص ایران و عربستان سعودی که هریک ادعای زعامت و رهبریت را در جهان اسلام دارند، جستجو کرد.

چندی قبل یک مقاله بسیار دلچسپ و پرمحتوا تحت عنوان «مسیر آینده جنگ شیعه - سنی در شرق میانه» از طریق انترنت بدستم رسید که بطور فشرده و اما دقیق از راز نهفته جنگ بین شیعه و سنی پرده برداشته و موضوع را در چار چوب سیاست های منطقوی و رقابت آمیز ایران و عربستان سعودی و نفوذ آنها در جهان اسلام مطرح بحث ساخته بود. برای روشن شدن بهتر قضیه تصمیم گرفتم تا این مقاله را از انگلیسی ترجمه و خدمت هموطنان عزیز و علاقمند تقدیم دارم. باید گفت که نویسنده مقاله موسی خان جلالزی مدیر مرکز مطالعات در باره تروریسم، خشونت های فرقوی و جنایت های سازمان یافته در لندن است. وی بیش از ۱۵۰ اثر دارد و ناشر نشریه «پس منظر روزانه افغانستان» میباشد. این است متن مقاله که امیدوارم با دقت تام مطالعه شود:

موسی خان جلالزی

مسیر آینده جنگ شیعه - سنی در شرق میانه

عروج ایران به حیث یک قدرت زروی در جهان عرب خطرناکتر از اسرائیل تلقی میشود. ایران با تسریع تلاشهای منطقوی خود میخواهد در عملیه پالیسی سازی عراق، پاکستان و افغانستان نفوذ داشته باشد. بدون شک ایران به حیث یک نیروی زروی میکوشد بر توانائی خود بیفزاید و بر جهان عرب برتری حاصل نماید تا خطوط مهم و حیاتی انتقال مواد خام نفتی را که ۴۰ فیصد آن روزانه از همین مسیر میگردد، زیر نظارت قرار دهد. در عین حال عربستان

سعودی نفوذ روز افزون ایران را در مسائل عراق، لبنان و فلسطین بیش از حد نگران کننده میدانند. جنگ های جاری فرقی در یمن موضوع دیگر است که عربستان سعودی را مبنی بر مداخلات ایران در حمایت و جانبداری از قیام قبایل «هوتی» نگران ساخته و زنگهای خطر جدی را در آنجا به صدا درآورده است، اما ایران برعکس در این موضوع از مداخلات خارجی هوشدار میدهد و معتقد است که قدرت های نا مشخص آتش این بحران را شدیداً دامن می زنند. چندی قبل ریاض اعلام کرد هرگاه شورشیان «زیدی» از حواشی سرحد دور نشوند، آنها به حملات هوایی خود ادامه خواهند داد. وزیر خارجه ایران آقای متقی این ادعای حکومت یمن را مبنی بر حمایت آنکشور از شورشیان رد میکند و میگوید: کسانی که این آتش را برافروخته اند، خود در آن خواهند سوخت. او عربستان سعودی را به حمایت از قوای نظامی یمن متهم میکند، درحالی که حکومت یمن مدعی است که شورشیان میخوانند قبیله «زیدی» را که یک اقلیت است، در یمن حاکم بسازند.

دوسال قبل ملک عبدالله پادشاه اردن از یک حرکت «گسترده شیعه» صحبت کرد و در این اواخر بعضی تحلیلگران از «عروج، موج، بیداری و رونق شیعه» صحبت میکنند. برخورد بین مسلمانان شیعه و سنی یکی از عمده ترین مسائل مورد مناقشه و مشاجره بین جهان عرب محسوب میشود. نگرانی زیاد در مورد آینده اقلیت شیعه در منطقه خلیج وجود دارد، بخصوص آنهایی که در عربستان سعودی، بحرین و کویت زندگی میکنند. در تهران فکر میشود که تشدید برخوردها بیشتر به ضرر ایران خواهد بود. با ظهور بعضی قدرتهای جدید زیرزمینی در عربستان سعودی پیشینی میشود که یک جنگ داخلی دوامدار در آینده نزدیک نظام سلطنتی آنکشور را تهدید میکند. جریانات «بریهلوی ها» در پاکستان، بنگله دیش و هند همچنان کشورهای جنوب شرق آسیا اخیراً تمایل و هموائی خود را با شورشیان شیعه «زیدی» ابراز کرده اند. آنها مبارزات خود را به حیث یک جهاد خالص در برابر نظام سلطنتی اعلام داشته اند. صدور فتواها اخیراً از طرف بعضی از علمای بریهلوی در پاکستان مبنی بر تشویق حملات انتحاری مورد انتقاد جدی جهان عرب قرار گرفته است. بزعم این علما حملات انتحاری علیه قوای امریکائی و برتانوی یگانه راه شکست آنها در افغانستان میباشد. ایران توانسته است در جاهای دیگر در شرق میانه و منطقه خلیج حلقات مخفی مخالفین بحرین و عربستان سعودی را ایجاد نماید تا از آنها برای گسترش نفوذ و قدرت خود در منطقه استفاده نماید. در تابستان ۲۰۰۴ در نشریه «واشنگتن کوارترلی» طی یک مقاله تحت عنوان «همدستی منطقوی رونق شیعه در عراق» تصریح شده است که مداخله امریکا در عراق کمتر برای تشکیل یک حکومت معتدل و متریقی و اما بیشتر به نفع استحکام قدرت شیعه تمام شد. رهبران ایران از مدتها بدینسو در تلاش اند تا در رقابت با عربستان سعودی به حیث حامی اسلام و رهبر جهان اسلام عهده دار جنبش های جدائی طلبی در منطقه گردند. آنها میکوشند تا طبقه حاکمه وهابی را از مکه و مدینه بیرون کنند.

سعودی ها بر فشارهای وارده بر اقلیت سنی در ایران انتقاد دارند. عربستان سعودی برای اقلیت های سنی در ایران که متشکل از کردها، بلوچ ها و ترکمن ها میباشد، قبلاً کمتر علاقه داشت ولی اکنون دیده میشود که روی اهداف سیاسی این موضوع جداً در خور توجه آنها قرار گرفته است. یکی از علمای جید سنی شیخ یوسف القرضاوی که پیشآهنگ حرکت ضد شیعه و ضد ایران محسوب میشود، در مصر و عربستان سعودی فعالیت میکند و مناقشه های جدی را از طریق نشرات انترنتی در جهت تعمیق اختلافات بین شیعه و سنی به پیش می برد.

اخیراً یک تعداد رویدادهای مهم به وقوع پیوسته است که احتمال حملات و نشانه های شدت عمل را از جانب عربستان سعودی نشان میدهد. یکی از این رویدادها همانا نشر اسمای ۸۵ جهادی مظنون در سال گذشته بود که ۱۵ نفر آنها از جمله زندانیهای گوامنتانامو بودند و گمان میرود که اکثر آنها اکنون در یمن، پاکستان و ایران جاگیر شده اند. در آینده نزدیک با فعال شدن گروههای نظیر تشکلات فرقی پاکستان و طالبان، خطر برخوردهای مسلحانه در عربستان بعید از امکان نخواهد بود. هرگاه سلسله ناآرامی ها و کشتارها در عربستان در آینده بیشتر شود، مداخلات منطقوی برای حمایت از اجتماع شیعه در آنجا متصور خواهد بود. هرگاه اقلیت شیعه خواهان سهیم شدن در قدرت سیاسی باشند، در آنصورت ممکن است عربستان سعودی در آینده با یک جنگ داخلی روبرو شود.

حلقات مخفی جهادی ها در عربستان سعودی و ارتباط آنها با گروه های فرقی منطقوی و دولتهای منطقه میتواند موجب اخلاص جدی امنیت در آنکشور شود. مبارزه بریهلوی ها و شیعه ها به مقصد رهائی مکه و مدینه از دست وهابی ها، با حمایت حلقات ضد سلطنتی در مجموع خطر روز افزون امنیتی را در عربستان به وجود می آورد.

طالبان و القاعده به حیث مخالفین نظام سلطنتی سعودی و انکشاف جبهات جنگی قوتهای «بریهلوی - شیعه» ممکن است تمام منطقه را در آتش یک جنگ فرقی شعله ور سازند. شیعه های سعودی رهائی زندانی ها و داشتن سهم مساوی را در اداره حکومتی از ملک عبدالله تقاضا کرده اند. برطبق گزارش بی بی سی کشیدگی ها بین شیعه و سنی در شرق میانه در طول چند سال گذشته به یک بحران تمام عیار در کشورهای عراق، لبنان، بحرین و نیز در این اواخر در عربستان سعودی مبدل گشته است. شیعه های عربستان سعودی روابط نزدیک با شیعه های عراق، ایران، لبنان، پاکستان و بحرین دارند.

موجودیت کامل قوای امریکائی در عربستان که با مخالفت شدید افراطی های آنجا مواجه میباشد، خطر دیگری است که آنکشور را تهدید میکند. هرگاه پالیسی امریکا در عراق ادامه یابد، در آنصورت قدرت ایران و شیعه ها در تمام

منطقه گسترش می یابد. برطبق ارقام منتشره در کتابخانه کانگرس، اقلیت شیعه در عربستان سعودی تقریباً پنج فیصد نفوس آن کشور را تشکیل می دهد.

اعدام صدام حسین در روز اول عید اضحی در عراق به وسیله حکومت شیعه، به او لقب «شهید سنی» را داد. این حادثه ثابت می سازد که حکومت عراق که بیشتر متشکل از شیعه ها است، رابطه بسیار نزدیک با ملیشه های شیعه داشته و تحت تأثیر آنها عمل میکند. بطور عموم گفته میشود که برخورد های خونین بین شیعه و سنی بعد از حمله بر مسجد العسکری در «سما را» در فبروری ۲۰۰۶ بیشتر کسب شدت کرد. جنگ شیعه و سنی که بعد از سقوط عراق آغاز گردید، اکنون در قسمت های دیگر جهان عرب سرایت کرده است. این جنگ که امنیت منطقه را بخطر می اندازد، با اشتراک گروپ های سائر کشورها میتواند نا آرامی های فرقی را در عربستان سعودی بشدت توسعه دهد.

شیعه ها در سلسله مراتب اجتماعی - اقتصادی دولت سعودی در پایانتزین ردیف قرار دارند. آنها از رسیدن به مقامهای عالیله ملکی بدور نگهداشته شده و ندرتاً در وظایف عسکری و پولیس جذب میشوند. آنها هیچگاه درگارد ملی شامل نبوده و همیشه زیر مراقبت قرار دارند. شیعه ها از اینکه از هر مرجع رسمی آن کشور رانده شده اند، شکایت دارند.

حکومت سعودی همیشه از تفاهم دینی در خارج سخن میگوید، ولی در داخل (به گفته جو ستورک معاون موسسه دیده بان حقوق بشر در شرق میانه) شهروندان اسمعیلیه خود را بخاطر عقیده مذهبی شان زیر فشار قرار میدهد، چنانکه کشیدگی های رو به تزاید بعد از اواسط سالهای ۱۹۹۰ بین فرقه اسمعیلیه و شهزاده مشعل بن سعود بن عبدالعزیز والی ولایت نجران در اپریل ۲۰۰۰ منجر به برخوردهای مسلحانه گردید. قوای امنیتی صدها نفر اسمعیلیه را زندانی و شکنجه کردند و بیش از ۴۰۰ نفر آنها را از دفاتر رسمی محلی اخراج نمودند.

پاکستان به حیث یک متحد نزدیک عربستان سعودی حمایت خود را از عملیات ضد شیعه در آنجا ابراز کرد. پاکستان نیز در بیست سال اخیر مصروف مبارزه علیه خشونت های فرقی در خاک خود میباشد که این روش بر شدت تنش ها بین اجتماعات شیعه و سنی در آنجا افزوده است. هرگاه مجاهدین افغان، طالبان و ملیشای گروپ های سنی در این منازعه به طرفداری عربستان سعودی داخل فعالیت شوند، درآنصورت حماس، حزب الله و شیعه های پاکستان و افغانستان نیز برای حمایت از قبایل هوتی در یمن دست به اسلحه خواهند برد. این وضع شرق میانه را به سوی یک جنگ نافرجام بین شیعه و سنی خواهد کشانید. به نظر مقامات سعودی قبایل هوتی از طرف ایران حمایت میشوند ولو که آنها از هر نوع حمایت ایران انکار میدارند. هوتی ها مدعی اند که ایشان برای اعاده حقوق خود می جنگند و این اتهام را که مبارزه شان وجه جنگ فرقی دارد، رد میکنند. برای اولین بار رهبر مذهبی ایران آیت الله احمد جنتی عربستان سعودی را به کشتار شیعه ذریعه بمبارد قبایل هوتی در داخل یمن متهم می سازد و نیز سعودی را مسؤل بسته کردن مساجد شیعه میدانند.

حکومت سعودی در این اواخر با رهبران سابقه جهادی افغانستان، گروپ های وهابی پاکستان (لشکر طیبیه، جیش، سپاه صحابه، لشکر جهانگوی) و رهبریت طالبان به تماس شده اند تا از حمایت فزینی آنها در برابر تفوق طلبی ایران در منطقه برخوردار شوند. اخیراً یک هیئت صاحبمنصبان برحال و متقاعد نظامی پاکستان از عربستان سعودی دیدار کرده اند. موضوع بحث آنها را در این مذاکرات مخفی همانا محافظت اماکن مقدس و نظام سلطنتی سعودی تشکیل میدهد. بعضی منابع استخباراتی در افغانستان و پاکستان عقیده دارند که یک گروپ ضد ایرانی مسما به جند الله مورد حمایت های مالی و نظامی همه کشورهای عربی به شمول عربستان سعودی و پاکستان قرار دارد. پاکستان و عربستان هر دو جندالله را یک گروپ جهادی می شمارند، نه یک گروپ تروریستی.

به اساس اطلاعات استخباراتی سعودی، اکنون عراق بیشتر زیر نفوذ ایران قرار گرفته است، لذا عربستان میخواهد از تمام عناصر سنی حمایت کند تا علیه شیعه گری در منطقه فعالیت نمایند. هرگاه این اقدامات صورت نگیرد، ممکن است آتش خشونت ها در عربستان سعودی مشتعل گردد. یمنی ها و دیگر گروپ های عرب در این راستا عمیقاً ریشه دوانیده اند. عواقب معضله جاری شیعه - سنی تاهنوز از عمق به سطح نیامده است تا در چشم همگان قابل دید باشد.

### (ختم مقاله)

با مطالعه دقیق این مقاله به وضاحت میتوان به این حقیقت پی برد که تبلیغات مذهبی که از طرف یک عده پیروان متعصب شیعه و سنی در بعضی از رسانه های نوشتاری و تصویری فارسی و دری زبان ظاهراً به مقصد «روشن گری های مذهبی و دینی» در خور مردم داده میشود، در حقیقت جز پالیسی های دقیقاً طرح شده تبلیغات سیاسی رقبای منطقوی محسوب میگردد. برنامه های تلویزیون «اهل بیت» و «سلام» بیشتر به نفع سیاستهای کلی ایران و برعکس برنامه داکتر ملا زاده بیشتر به نفع علایق سیاسی سعودی و اما هر دو زیر عنوان اشاعات دینی - مذهبی فعالیت میکنند. برنامه داکتر ملازاده که قطع آن در حلقات افغانی موجب عکس العمل ها گردید، اگر از یکطرف سیاستهای متعصبانه رژیم آخوندی ایران را مورد انتقاد قرار میداد و به حیث یک شهروند ایرانی مخالف رژیم حق

داشت، از طرف دیگر بیانات او با مطابقت به پالیسی های عربستان سعودی بیشتر متوجه افغانستان و تحریک احساسات مذهبی یک عده افغانها در برابر شیعه ها بوده و این تحریکات بر شعله ور شدن آتش نفاق و شقاق مذهبی در افغانستان بیش از پیش اثر زیانبار میگذارد. همانطوریکه اکنون در پاکستان برخوردهای مذهبی بین شیعه و سنی بطور فاجعه آمیز در حال وقوع است، در افغانستان نیز اینکار از جانب گروه های وابسته به عربستان سعودی بخصوص طالبان و پیروان بعضی از احزاب و گروه های تنظمی اسبق جهادی افغان که همه با نامهای شان آشنا هستیم، متأسفانه از مدتی بدینسو در حال شکل گیری است که اگر جلوگیری نشود، میتواند عوام الناس شیعه و سنی افغان را به جان هم بیندازد. از آنجائیکه ایران اکنون بیش از هر وقت دیگر بر گروه ها و احزاب سیاسی اهل تشیع افغان نفوذ قابل ملاحظه و آشکار دارد، عربستان سعودی نیز میخواهد با تحریکات مذهبی بوسیله گروه های افغان وابسته به خود در این بازی خطیر از رقیب عقب نماند و در برابر نفوذ ایران در افغانستان ایجاد مقاومت نماید. دفع نفوذ روز افزون ایران توسط خود افغانها یک موضوع ملی است، ولی دفع نفوذ یکی بوسیله تقویه نفوذ دیگر، در کشور نتایج وخیم را بار می آورد و افغان را در برابر افغان به جنگ می اندازند. مردم ما دیگر از جنگ به ستوه آمده اند و ادامه این وضع یقیناً افغانستان را به طرف بربادی می کشاند. مردم باید عاقلانه و دقیقانه بیندیشند و نباید وسیله سیاستهای دیگران شوند و با تیشه دیگران ریشه های وحدت ملی خود را سست و تضعیف نمایند. بناً به نظر من تصمیم تلویزیون پیام افغان مبنی بر قطع این نوع مناقشات روی همین مصلحت ملی و با درک واقعیت های افغانستان یک اقدام شمرده و منطقی بود.

خاتمه